روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز
مدیرعامل و مدیر مسئول: عبدالله گنجی
سردبیر: غلامرضا صادقیان
آدرس: تهران، خیابان شهید مطهری تقاطع میرزای شیرازی، پلاک ۳۸۴
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۴۹۸۴۷۳
روابط عمومی: ۸۸۴۹۸۴۴۸، نمابر: ۶-۸۸۸۴۵۶۳۴
توزیع: شرکت نشر گستر امروز ۷۷-۷۶-۸۸۴۹۸۴۷۵
چاپ تهران: چاپخانه روزنامه جوان
www.javanonline.ir

| روزنامه جوان | شماره ۵۳۶۹ | شنبه ۲۲ اردیبهشت ۱۳۹۷ | ۲۵ شعبان ۱۴۳۹ | اذان ظهر: ۱۳:۰۱ |
غروب آفتاب: ۲۰:۰۰ | اذان مغرب: ۲۰:۲۰ | نیمه‌شب شرعی: ۰۰:۱۲ | اذان صبح فردا: ۰۴:۲۴ | طلوع آفتاب فردا: ۰۶:۰۱ |

یادداشت | محمد صادق عبداللهی

چالش مهم «هدف در زندگی»

این روزها در کنار ورود فرهنگ‌ها و سبک زندگی‌های مختلف که دگرگون کننده هویت و فرهنگ جامعه ایرانی هستند، فشارهای اقتصادی به ویژه تورم و بیکاری نیز چاشنی زندگی مردم شده تا سختی‌های ناشی از زندگی را که گاهی از حد توان افراد نیز خارج است، افزایش دهد. از سوی دیگر روزمرگی به وجود آمده و عدم طراحی روش‌ها و برنامه‌های مناسب برای پر کردن اوقات فراغت جامعه به ویژه قشر جوان که سرشار از انرژی و عاطفه است، بستری را ایجاد کرده تا ذهن‌های بسیاری با این سؤال مواجه شود که اصلاً چرا باید زندگی کرد و هدف از زندگی چیست؟

یکی از مصادیق این مسئله را می‌توان کلیپی دانست که چندی پیش در فضای مجازی منتشر شد. در این کلیپ از مصاحبه‌شوندگان در خصوص هدف زندگی و معنای آن سؤال می‌شد و به صورت نگران کننده‌ای بسیاری از آنان زندگی را جبری می‌دانستند که گریزی از آن وجود ندارد. شاید بتوان احتمال داد آن کلیپ به نیتی خاص تولید و توزیع شد، اما نمی‌توان از تعدد دست به دست شدن‌های آن و بازنشرشدنش در گروه‌های مختلف به راحتی گذر کرد.

با این حال متأسفانه نسبت به این سؤال جوابی که برگرفته از منابع ایرانی - اسلامی باشد و از سوی طبقه متوسط نیز مورد پذیرش واقع شود، ارائه نشده‌است و به جای آن شاهد ورود موجی از کتاب‌های ترجمه‌ای به بازار می‌باشیم که در پی پاسخگویی بدین سؤال از دریچه گفتمان‌های رقیب انقلاب اسلامی می‌باشد. رویکرد این کتاب‌ها گاهی فلسفی و معرفتی است، اما آنچه بیشتر مورد استقبال قرار گرفته، رمان‌هایی هستند که در این زمینه ترجمه و منتشر شده‌است و در مدت زمان اندکی به چاپ‌های سیزدهم و چهاردهم نیز رسیده‌اند.

طبیعی است که اگر معنا و هدف زندگی در مسیری تعریف شود که مطابق آموزه‌های اسلام نباشد بالطبع رفتار، گفتار، نیازها، خواسته‌ها و عواطف انسان نیز تغییر می‌کند و مطابق مسیر رسیدن به هدف اصلی، زندگی تعریف می‌شود.

یکی از کتاب‌های منتشر شده که سعی دارد با نگاه اسلامی و با رویکرد کلامی بدین سؤال اساسی و مهم پاسخ دهد، کتاب هدف زندگی اثر متفکر شهید استاد مرتضی مطهری است که در سال ۱۳۹۰ برای نخستین بار منتشر شد. این کتاب شامل پنج جلسه سخنرانی شهید در جمع محدودی از شاگردان خود در سال ۱۳۵۱ است. استقبال از این کتاب به نحوی بوده که امسال در سی‌ویکمین نمایشگاه کتاب تهران، شاهد خالی شدن ردیف آن در غرفه انتشارات صدرا بودیم، اما با وجود نکات برجسته این کتاب که حکایت از عمق اندیشه شهید بزرگوار دارد باید پذیرفت که این کتاب و مباحث مطرح شده در آن مربوط به ۴۶ سال پیش است و بی‌شک برای آنکه بتواند زوایای مختلف هدف در زندگی را برای نسل امروز روشن کند و به شبهات ایجاد شده از سوی گفتمان‌های رقیب گفتمان انقلاب اسلامی پاسخ دهد، نیازمند تکمیل می‌باشد که امید است اندیشمندان، علما و اساتید انقلابی بیش از پیش بدین موضوع توجه کنند. در این بین استفاده از ابزار هنر، به ویژه ادبیات، جایگاه ویژه‌ای دارد که نیازمند توجه هنرمندان اسلامی است.

حکمت

حکمت ۳۵۱

امام(ع) فرمود: هنگامی که سختی‌ها به آخرین درجه شدت برسد، فرج حاصل می‌شود و در آن هنگام که حلقه‌های بلا تنگ می‌گردد، نوبت آسایش و راحتی فرا می‌رسد.

نما | حسین کشتکار

بازدید یک‌ونیم ساعته مقام معظم رهبری از ۵۰ غرفه نمایشگاه کتاب تهران

رهبر انقلاب: کتابخوانی ضرورت زندگی مردم به ویژه جوانان است

«مسئله کاغذ را حل کنید آقای صالحی» این مهم‌ترین جمله دستوری رهبری در حوزه نشر و کتاب است. این اولین باری نیست که رهبر انقلاب حساسیت ویژه‌شان را درباره مسئله کاغذ به صورت رسمی اعلام می‌کنند

■ ادامه از صفحه اول

پیش‌بینی‌ها حاکی از برگزاری شلوغ‌ترین روز نمایشگاه کتاب تهران در آخرین روز آن است و با رسیدن روز پایانی نمایشگاه آن هم در روز جمعه احتمالات برای حضور رهبر انقلاب به شدت کم شده است و این گونه است که اولین واکنش اکثر اهالی کتاب در مواجهه با رهبر، شگفتی است.

شگفتی اما تنها به صرف حضور رهبر مربوط نمی‌شود و غافلگیری از همان ابتدا در نشر «سخن»، اولین غرفه بازدید آغاز می‌شود. در ۷۷ جنوبی، راهروی ۳۱، نشر «سخن» و رهبری همان ابتدا به «کتاب» که می‌رسند جای‌گیر می‌شوند و غرق مطالعه و تورق کتاب‌ها. وزیر اما نگران وقت است و فرصت محدودی که نمایشگاه پیدا کرده است. مِن‌مِن‌کنان می‌گوید: حضرت آقا غرفه‌های دیگر هم منتظرند و رهبر، مشغولِ کتاب‌ها سری تکان می‌دهند. «در هرگز و همیشه انسان» کتاب تازه دکتر شفیعی کدکنی را باز کرده‌اند و مشغول ورق زدن و صالحی به جای غرفه‌داران «سخن» که دیر کرده‌اند، توضیح می‌دهد و عذرخواهی می‌کند و رهبر می‌گویند: اشکالی ندارد؛ کتاب‌ها هستند. معلوم است که صالحی منتظر فرصت است و ظاهراً بی‌طاقت‌تر از آنکه صبر کند که به غرفه دوم برسند. فرصت نمی‌دهد و گلایه‌هایش از وضعیت فعلی نشر را بی‌مقدمه آغاز می‌کند، قاچاق کتاب‌های کاغذی و دیجیتال را تهدیدکننده حیات کتاب در ایران می‌داند و می‌گوید قوه قضائیه باید جدی‌تر به بحث قاچاق کتاب ورود کند. رهبر لحظه‌ای سر از کتابی که مشغولش هستند برمی‌دارند و به سخنان صالحی گوش می‌دهند و چند لحظه بعد می‌گویند: باید جلوی آن گرفته شود، قانونش هم که موجود است. سرانجام رهبر دل می‌کنند از کتاب‌ها و راهی غرفه دوم می‌شوند. غرفه بعدی، اما ماجرا هیجان‌انگیزتر است. پیش از شروع بازدید، مسئول غرفه «نسل نواندیش» که حسابی سرحال است و غرفه شیک و قرمز رنگش را مرتب می‌کند، می‌گوید من هم قصد دارم آقای خامنه‌ای را غافلگیر کنم، کتابی از ترامپ، رئیس‌جمهور پرسروصدای امریکا را ترجمه کرده‌ایم که دقیقاً نشان می‌دهد ترامپ چه موجودی است و می‌خواهم آن را به رهبری تقدیم کنم، هرچند که شک دارم ندیده باشند و بعد بلافاصله گلایه می‌کند از وضع فروش کتاب در نمایشگاه و بی‌ربطش نمی‌داند به تصمیم‌های برجامی اخیر ترامپ!

رهبر وارد غرفه می‌شوند و نگاهی به جلد کتاب‌های پرزرق و برق انتشارات می‌اندازند و بعد از اینکه حوزه نشر را می‌پرسند و متوجه می‌شوند کتاب‌ها اکثراً روانشناسی و راه‌های موفقیت و... است، به کنایه می‌پرسند: لابد فروش‌تان هم خیلی خوب است، همه کتاب هایتان ترجمه است؟ مسئول غرفه که کمی جا خورده است، می‌گوید: ۴۰ درصد کتاب هایمان بیشتر ترجمه نیست و بعد شروع می‌کند درباره مجموعه کتاب‌هایشان و حوزه‌های فعالیت «نسل نواندیش» توضیح می‌دهد. نگاهش می‌کنم، کمی عرق کرده است و گویا ترامپ و برجام را با هم فراموش کرده است.

سؤال‌های رهبر انقلاب درباره فروش کتاب‌ها، ترجیع‌بند گفت‌وگو با ناشران است. میلاد شاهی مسئول غرفه «نگاه» از فروش راضی است.

«مسئله کاغذ را حل کنید آقای صالحی» این مهم‌ترین جمله دستوری رهبری در حوزه نشر و کتاب در بازدید امسال از نمایشگاه است. این البته اولین باری نیست که رهبر انقلاب حساسیت ویژه‌شان درباره مسئله کاغذ را به صورت رسمی اعلام می‌کنند. اینجا اما به کتابی با کاغذهای گلاسه برخورد می‌کنند و از ناشر می‌پرسند: چرا با این کاغذها چاپ کرده‌اید، هم گران است و هم خواندنش سخت است و بعد بلافاصله رو می‌کنند به وزیر ارشاد و می‌گویند: این مسئله کاغذ مسئله بسیار مهمی است و رسیدگی می‌خواهد. کم‌کم چراغ‌های خاموش انتشاراتی‌های مختلف در حال روشن شدن است و برخی از ناشران بی‌خبر از همه جا، به محض ورود به سالن میخکوب می‌شوند. واکنش‌های برخی‌شان سینمایی است. غرفه‌ها را رها کرده‌اند و افتاده‌اند دنبال کاروان کوچک رهبری در بازدید از نمایشگاه. مسئولان دفتر رهبری راهنمایی‌شان می‌کنند که به غرفه‌هایشان بروند که رهبری الان می‌رسند. بدو بدو می‌روند و آن جنس خوب‌هایشان را از ته غرفه بیرون می‌کشند. ورود رهبری به نشر «نی» با زمزمه کردن مصرع مشهور مولوی از سوی ایشان همراه است: بشنو از نی...

مسئول غرفه به چند کتاب اشاره می‌کند و رهبری می‌گوید دیده‌ام آنها را. اما بعد خطاب به وزیر ارشاد می‌گویند: عقب مانده‌ام از کتاب، چیزهای زیادی است که ندیده‌ام. وزیر می‌گوید: باز هم، حالا حالاها از ما جلو هستید.

صالحی در ابتدای یکی از غرفه‌ها کتابی درباره فوتبال به رهبر نشان می‌دهد و درباره آن صحبت می‌کند. رهبر هم بی‌کنایه نمی‌گذرد: بله، از حکومت و اقتصاد و... حالا رسیده‌اند به فوتبال.

بعد در نشر «مرکز» یک کتاب برمی‌دارند و سبک سنگین می‌کنند و می‌گویند چنین کاغذی خوب است، سبُک و راحت و بعد پشت جلدش را بلند می‌خوانند: ۳۸ هزار و ۹۰۰ تومان! بی‌مقدمه رو به ناشر می‌کنند و می‌گویند: چرا این‌قدر گران، قیمت می‌گذارید؟ حتماً می‌گویید می‌خرند دیگر. ناشر توضیحاتی درباره مشکلات نشر می‌دهد که نگاه رهبری به کتابی از «مارسل پروست»، نویسنده مشهور فرانسوی می‌افتد. کتاب را برانداز می‌کنند و می‌گویند: کتاب‌های پروست را هم می‌خرند؟ ناشر پاسخ مثبت می‌دهد و رهبری ادامه می‌دهند: می‌فهمند و می‌خوانند؟ همه به خنده می‌افتند. بیش از همه ناشر.

وقت تنگ است و رهبری اصرار دارند که بازدید کوتاه باشد تا روز جمعه، برای ناشران و بازدیدکنندگان مزاحمتی پیش نیاید. هرچند بقیه نمایشگاه، برنامه معمولش را دنبال می‌کند و از سروصداهای بیرون می‌شود، فهمید که کم کم در حال رونق گرفتن است. در غرفه «یوبان» رهبری دو رمان مشهور می‌بینند و کمی توقف می‌کنند: «خشم و هیاهو» اثر «ویلیام فالکنر» و «مرشد و مارگریتا» اثر «میخائیل بولگاکف.»

نمایشنامه‌های نشر «یکشنبه» رهبری را کمی بیشتر متوقف می‌کند. مسئول نشر که رهبری از اسمش حدس می‌زنند ارمنی باشد و حدس درست هم از آب درمی‌آید، شروع به توضیح دادن می‌کند: یکی از نمایشنامه‌های پرفروش ما از یک نویسنده امریکایی است که وعده ترامپ مبنی بر دیوار کشیدن به دور امریکا برای عدم ورود مهاجران و خارجی‌ها را به حصر کردن خود امریکایی‌ها تعبیر می‌کند. رهبر تذکر می‌دهد که: البته ترامپ فقط مرز مکزیک را گفت و در مورد تمام امریکا چنین حرفی را نزد. اما این هم چیزی مثل دیوار حائل فلسطینی‌هاست. ناشر سر شوق می‌آید و می‌گوید: اتفاقاً نویسنده هم دقیقاً همین تشبیه را به کار می‌برد. بعد از انتشارات «یکشنبه» نوبت به چند غرفه از ناشران الکترونیک می‌رسد. وزیر ارشاد از مزایای نشر الکترونیک می‌گوید و رهبر در یکی از غرفه‌های نشر الکترونیک درباره حق خرید کتاب کاغذی و نحوه پخش آن می‌پرسد و می‌گوید این مسائل را چگونه حل کرده‌اید؟ که ناشر توضیحاتی درباره توافق با نویسندگان و انتشاراتی‌ها می‌دهد و بعد می‌گوید تمرکز نشر الکترونیک روی عدالت در دسترسی به کتاب است. رهبر سراغ «مجمع ناشران انقلاب اسلامی» را می‌گیرند و سرعت بیشتری به بازدید می‌دهند. ساعت نزدیک ۱۱ است و بازدید رهبر انقلاب از نمایشگاه رو به پایان. جمعه است و روز آخر نمایشگاه و ناشران، چشم دوخته به فروش این روز و رهبر از همه مطلع‌تر از شرایط سخت ناشران، محکم، تند و بلند گام برمی‌دارند و مدیران فرهنگی کشور جا می‌مانند. شاید نمادی قابل توجه برای آنچه در تمام این سال‌ها بر فرهنگ کشور می‌رود.

تگزاس و کلیشه تضمینی فروش این روزها

کمدی بساز و بفروش

■ محمد حسین تیرآور

مدیریت چند سال اخیر سینمای ایران برای کارگردان و سینماگری که صرفاً به سود مالی خود می‌اندیشد، یک الگو روی میز می‌گذارد که سود بالا را برای جیب آنها تضمین می‌کند، با تابوها بازی کن.

فیلم «من سالوادور نیستم» در سال اکران خود با فروش عجیبی همراه بوده است، ۱۴ میلیارد رکورد فروش یک فیلم طنز است که دوربین را به خارج از ایران برد و داستان خود را در فضایی غیرداخلی روایت کرد. در همان سال فیلم «پنجاه کیلو آلبالو» فروش ۱۳ میلیاردی داشت و فیلم‌هایی مانند «خوب، بد، جلف»، «گشت ارشاد ۲»، «نهنگ عنبر ۲» و «اکسیدان» در سال بعد به ترتیب ۱۶، ۲۰، ۱۹ و ۱۰ میلیارد فروش داشته‌اند. با دست به دست شدن رکورد فروش بین فیلم‌های طنز مشخص می‌شود که تهیه کننده سود محور باید پیکان انتخابش را روی گونه طنز بچرخاند. طنزهای موجود همه یک ویژگی مشخص داشته‌اند: قرار به گفتن داستانی خاص و مفهومی جدی نیست، این طنزها صرفاً با تابوهای عرفی بازی کرده‌اند. صحنه‌هایی که گفتنشان یا نشان دادنشان امری رایج نیست و همین تک بودن توانسته است برای عده‌ای که علاقه‌مند این صحنه‌ها هستند و سالها آنها را در رسانه رسمی کشور ندیده‌اند، جذابیت ایجاد کند.

شوخی‌های مکرر جنسی، صحنه‌های رقاصی، آواز خوانی زن، شوخی با مذهب، پخش موسیقی‌هایی از خواننده‌های بدنام غربی، نمایش حالات همجنس‌گرایانه و... بین تابوهایی که نام برده شد، کنایه پراکنی‌های سیاسی قطعاً در ردیف آخر جای دارد و باید گفت تابوهای فرهنگی محور اصلی هستند. بردن دوربین به خارج از کشور با اینکه هزینه‌ها را بالا می‌برد، اما خود به تنهایی عامل جذابیت است و یکی دیگر از الگوهای تضمین فروش چند سال اخیر به حساب می‌آید. بعد از فروش «من سالوادور نیستم» و «سلام بمبئی»، این روزها طنز «تگزاس» روی پرده است که در کشور برزیل فیلمبرداری شده و مسعود اطیابی، کارگردانی که دو سال گذشته فیلم «ماه گرفتگی» را در جشنواره فجر به اکران درآورد، کارگردانی این فیلم (تگزاس) را بر عهده داشته است.

اطیابی سعی کرده الگوی فروش سال‌های گذشته را محور کار خود قرار دهد. مجدد قرار به گفتن قصه‌ای خاص یا پیچیده و حرفی ژرف نیست، صرفاً قصه‌ای سر راست به همراه بازی با تابوها. تصویر کشوری دیگر نیز به کمک تابوها آمده تا احتمال موفقیت در گیشه این فیلم را بیشتر کند. کارگردانی که خواسته است از رقص مایکل جکسون و... فروش فیلمش را بالا ببرد. فرمول ساده چند رقص، پخش چند آهنگ تند به همراه نماهایی جذاب از کشوری دیگر. این خارج کردن دوربین از کشور برای کارگردان‌هایی که پول بیشتری خرج کرده‌اند، یک امتیاز دیگر برای بالا بردن فروش به همراه دارد: استفاده و حضور زنی زیبارو در فیلم که کارگردان خواسته است قبل از نمایش و از روی همان پوسترهای فیلم، کارکرد ابزاری و تبلیغاتی‌اش را شروع کند.

■ **تگزاس و کلیشه تضمینی فروش این روزها**

گویی چراغ سبز مدیریت این سال‌های سینما، تأیید استفاده ابزاری از زن و به تعبیری جذابیت جنسی برای بالا بردن فروش آمار گیشه است. به دلیل نبود حرفی جدی و داستانی خاص، حذف مؤلفه «زن زیبارو» از این دسته فیلم‌ها، لطمه جدی به آنها خواهد زد و وجود این مؤلفه یکی از الگوهای مهم جذابیت و فروش آنها محسوب می‌شود. در «من سالوادور نیستم» تعلیق و کشش داستانی بر تضاد مرد معتقد و زن غیر مسلمان می‌چرخد که رفتار اغراق شده مرد فیلم، در نهایت تصویری مضحک و گاه احمقانه را از مرد مذکور به نمایش گذاشته است تا تحفظی دیندارانه را. سلام بمبئی نیز به غیر از آهنگ و رقص گروهی و تصاویری از هند که جزو همان الگوی تضمینی است، قصه‌اش را روی داستانی بسیار ساده و با تعریفی غلط، عاشقانه سوار کرده است که در نبود بازیگر زن، مزیت خاص رقابتی برای فروش بیشتر را ندارد. متأسفانه باید گفت که این دسته از عوامل سینما، ظاهراً در بهترین حالت اعتقادشان را از مذهبشان می‌گیرند، اما می‌خواهند پولشان را از چشم آبی و موی بلوند بازیگر زن فیلم و رقص مایکل جکسون در بیاورند.

■ **آیا جز این است؟**

این دسته از فیلم‌های تأیید شده مدیران سینمایی، اعترافی است که می‌گوید: ما نمی‌توانیم در فضای گفتمانی خود حرف جذابمان را بزنیم، این طرف میز حرفی نیست و اینها اجبار اقتضائات سینمای امروز است.

تلویزیون

اولین قسمت «ماه عسل» پنج‌شنبه پخش می‌شود

نخستین قسمت فصل جدید برنامه تلویزیونی «ماه عسل» در اولین روز ماه مبارک رمضان روی آنتن خواهد رفت.

اولین قسمت از برنامه تلویزیونی «ماه عسل» روز پنج‌شنبه ۲۷ اردیبهشت ماه و مقارن با روز نخست ماه مبارک رمضان روی آنتن خواهد رفت. بنا بر این گزارش، این برنامه به روال سال‌های گذشته ساعت ۱۹ روانه آنتن خواهد شد. همچنین رایزنی برای انتخاب خواننده تیتراژ هنوز ادامه دارد و ترانه هیچکدام از تیتراژهای این برنامه تلویزیونی هنوز تولید نشده‌اند.

پیش از این، ناصر کریمان مدیر گروه اجتماعی شبکه ۳ سیما در گفت‌وگویی اعلام کرده بود که امیدوارم بتوانیم دو روز قبل از شروع ماه مبارک رمضان برنامه را آغاز کنیم. معمولاً برنامه را زودتر شروع می‌کنیم تا حال و هوای برنامه مقدمه‌ای باشد برای عزیزانی که به پیشواز ماه رمضان می‌روند. ضمن اینکه این افراد با تلویزیون ارتباط برقرار می‌کنند و محیط برنامه تلویزیونی هم با حال و هوای معنوی آنها هماهنگ می‌شود.

سینما | محمدصادق عابدینی

کانون کارگردانان سینما خواستار ادغام مجدد جشنواره‌های فیلم فجر شد

بخش بین‌الملل فجر مؤثر تر از جشنواره جهانی بود

کانون کارگردانان سینمای ایران با ارسال نامه‌ای به رئیس سازمان سینمایی، خواستار ادغام جشنواره‌های ملی و جهانی فیلم فجر شد.

چند هفته بعد از برگزاری سی و ششمین جشنواره جهانی فیلم فجر، کانون کارگردانان سینمای ایران از جمله صنوف سینمایی خانه سینما، در نامه‌ای به محمدمهدی حیدریان رئیس سازمان سینمایی، خواستار ادغام مجدد جشنواره جهانی فیلم فجر در جشنواره ملی فیلم فجر شد. کانون سینمای ایران که دو سال پیش در نامه‌ای به سیدرضا میرکریمی، دبیر جشنواره جهانی فیلم فجر به تمجید از برگزاری جشنواره مستقل جهانی پرداخته بود، حالا در نامه‌ای به رئیس سازمان سینمایی اذعان کرده است که برگزاری بخش بین‌الملل فیلم فجر مؤثرتر از برگزاری جشنواره جهانی فیلم فجر بوده است. در نامه کانون خطاب به حیدریان آمده است: «با گذشت چهار دوره از جدایی بخش بین‌المللی از بخش ملی جشنواره فیلم فجر، حالا با قاطعیت می‌توان گفت جشنواره جهانی فجر نتوانسته نقش هنری و تاریخی خود را جهت معرفی یا ارتقای جایگاه سینمای ایران در سطح جهانی به خوبی ایفا کند و تأثیر خروجی آن بر جریان تولید، پخش و نمایش آثار سینمای ایران چندان محسوس نیست.»

در ادامه این نامه آورده شده است: «بی‌تردید و به شهادت علاقه‌مندان سینمای ایران، جشنواره بین‌المللی فیلم فجر با تمام کاستی‌هایش مؤثرتر از جشنواره مستقل جهانی فجر فعلی عمل می‌کرد، چون در روال گذشته نگاه جامعی حاکم بود که تمامی فیلم‌های خوب سینمای ایران را برای مخاطبان ایرانی و غیرایرانی به نمایش می‌گذاشت، اما به نظر می‌رسد جشنواره جهانی فعلی در راستای تفکری است که قصد دارد، بازار جهانی تنها با بخشی خاص و محدود از سینمای ایران مرتبط باشد و به هر دلیل مثبت یا منفی، این بازار وسیع با کلیت سینمای ایران روبه‌رو نشود. بدون شک این قطع ارتباط سینمای ایران با بازار جهانی در درازمدت موجب منزوی شدن سینمای ایران در عرصه جهانی خواهد شد. از طرف دیگر بازار جهانی فعلی بیشتر به محلی جهت حضور مهمانان داخلی تبدیل شده تا مهمانان خارجی و مفهوم اصلی بازار فیلم از دست رفته است.» حمله تند کانون کارگردانان به جشنواره جهانی و اعلام ناکارآمدی آن به همین جا ختم نمی‌شود و اعضای کانون کارگردانان که نقش مؤثری در تولیدات سینمایی دارند، خواسته اصلی خود را این گونه بیان کرده‌اند: «با توجه به نکات ذکر شده و با توجه به نارسایی‌های دیگری که در اداره این جشنواره دیده می‌شود و همچنین تقارن زمانی آن با جشنواره‌های جهانی و معتبر دیگر که بر جشنواره ما سایه افکنده، کانون کارگردانان سینمای ایران از جنابعالی به عنوان ریاست سازمان سینمایی تقاضا دارد شرایط را برای بازگشت بخش بین‌المللی به جشنواره فیلم فجر امسال فراهم کنید.»

کارگردانان سینمای ایران خواسته‌اند که در دوره بعدی جشنواره فیلم فجر که مصادف با جشن‌های چهلمین سالروز پیروزی انقلاب اسلامی است، جشنواره فجر به صورت یکپارچه برگزار شود. جدایی بخش‌های ملی و بین‌الملل فیلم فجر از زمان تصدی حجت‌الله ایوبی بر سازمان سینمایی کلید خورد. ایوبی طراح و برنامه‌ریز جدایی بخش‌های ملی و بین‌المللی فیلم فجر بود. وی در دیدار از سی و چهارمین جشنواره جهانی فیلم فجر تأکید کرد: من آرزوها و برنامه‌های زیادی برای سینمای ایران دارم، یکی از این آرزوها استقلال بخش بین‌الملل بود.

ایوبی علاوه بر طرح ایجاد جشنواره جهانی فیلم فجر که ابتدا قرار بود با نام جشنواره فیلم ایران فعالیت کند و حتی سابقه و عنوان «فجر» را نداشته باشد، اما با پافشاری سینمای ایران برای حفظ برند «فجر» که بیش از سه دهه فعالیت مستمر داشت، برگزارکنندگان جشنواره جهانی به بازگشت عنوان «فجر» رضایت دادند. جشنواره جهانی که قرار بود براساس استانداردهای یک جشنواره معتبر برگزار شود، اکنون حتی از نظر کارگردانان سینمای ایران یک پروژه شکست‌خورده است؛ جشنواره‌ای که نمی‌تواند به اندازه یک بخش از جشنواره فیلم فجر هم موفق باشد. نامه کانون کارگردانان به رئیس سازمان سینمایی هنوز با پاسخی از سوی حیدریان روبه‌رو نشده است و مشخص نیست که حیدریان این نامه را بهانه می‌کند تا با حذف میرکریمی و جشنواره جهانی مدیریت خود بر سینمای ایران را یکپارچه کند یا اینکه امسال هم باز شاهد برپایی جداگانه دو جشنواره ملی و جهانی خواهیم بود!

رکوردی بی‌سابقه در بازار نشر

«سلام بر ابراهیم» از مرز یک میلیون نسخه گذر کرد

کتاب «سلام بر ابراهیم» روایتی از زندگی عارفانه شهید ابراهیم هادی از مرز یک میلیون نسخه گذر کرد.

«سلام بر ابراهیم» کتابی است که در قالب زندگینامه‌ای مختصر همراه با ۶۹ خاطره درباره شهید بزرگوار و مفقودالاثر «ابراهیم هادی» منتشر شده است. این نوشتار حاصل بیش از ۵۰ مصاحبه از خانواده، یاران و دوستان آن شهید است که همگی نگارنده را در گردآوری این مجموعه ارزشمند یاری رساندند.

شهید هادی در یکم اردیبهشت ماه سال ۳۶ دیده به جهان گشود و پس از ۲۷ سال زندگی پر فراز و نشیب، در عملیات والفجر مقدماتی در منطقه فکه، بیست و دوم بهمن سال ۶۱ به درجه رفیع شهادت نائل آمد و همانطور که از خداوند می‌خواست، پیکر پاکش در کربلای فکه گمنام ماند.

این کتاب که یکی از پرفروش‌ترین کتاب‌های دفاع مقدس به شمار می‌رود، توانسته به شمارگان یک میلیون نسخه دست یابد که در نوع خود رقمی بی‌سابقه به شمار می‌رود.

رهبر معظم انقلاب در جمعی از فرماندهان به این کتاب اینطور اشاره کرده بودند:

«کتابی درباره شهید ابراهیم هادی خوانده‌ام که کتاب جالبی است. خیلی جذاب است. کتاب را تا مدتی بعد از اینکه خوانده بودم، دلم نمی‌آمد از روی میز بردارم و داخل کتابخانه بگذارم. به قدری که شخصیت در کتاب معرفی شده جاذبه دارد، مانند مغناطیس آدم را به خودش جذب می‌کند. بگردید این شخصیت‌ها را پیدا کنید؛ شخصیت‌هایی که سردار هم نیستند حتی فرمانده گردان هم نیستند، ولی حکایت‌ها دارند، ماجراها دارند.»

در این کتاب می‌خوانید:

یک ماه از مفقود شدن ابراهیم می‌گذشت. بچه‌هایی که با ابراهیم رفیق بودند، هیچ‌کدام حال و روز خوبی نداشتند. هر جا جمع می‌شدیم از ابراهیم می‌گفتیم و اشک می‌ریختیم.

برای دیدن یکی از بچه‌ها به بیمارستان رفتیم، رضا گودینی هم آنجا بود. وقتی که رضا را دیدم انگار که داغش تازه شده باشد، بلند گریه می‌کرد. بعد گفت: «بچه‌ها دنیا بدون ابراهیم برای من جای زندگی نیست. مطمئن باشید من تو اولین عملیات شهید می‌شم.»

یکی دیگه از بچه‌ها گفت: «ما نفهمیدیم ابراهیم کی بود. اون بنده خالص خدا بود که اومد بین ما و مدتی باهاش زندگی کردیم تا بفهمیم معنی بنده خالص خدا بودن چیه» یکی دیگه گفت: «ابراهیم به تمام معنا یه پهلوان بود یه عارف پهلوان.»